

متن پرسش

سلام و تشکر فروان جهت وقت گذاشتن واسه ماها واقعا خسته نباشید و خیر ببینید. ببخشید من واقعا به کمکتون نیاز دارم. من مجردم با مامان بابا هستم خواهر برادرام ازدواج کردن و شهرهای دیگه هستن. وقتی اونا نیستن من برنامه شخصی منسجمی واسه خودم دارم اونم در راه بندگی خدا نماز قرآن و سجده و مستحبات دیگه و کتاب های توی این راستا خوندم و این حرفا. اما وقتی خواهر برادرام میان کل برنامه هام میریزه بهم همه اش مشغول کار کردن و کمک کردن به مامانم تا جایی که به زور وقت واسه نماز میمونه و اینقدر درگیر میشم که نه ذکری نه یادی، این منو عذاب میده تا جایی که باعث میشه یه کم بدخلقی کنم. من فقط و فقط هدفم بندگی کردن خداست هیچ انگیزه دیگه ای واسه زندگی ندارم اما وقتی می بینم که اینقدر وقتم پر میشه که نمیتونم به بندگیم برسم ناامید میشم افسرده میشم. من توقع دیگه ای از زندگی دارم نمیخوام زندگیم خلاصه بشه توی خوردن و خوابیدن و تبدیل کردن شب و روز به همدیگه زندگی اینجوری من رو داغون میکنه حتی از قیافه ام هم میشه فهمید توی دلم چه خبره. مرگ رو ترجیح میدم به زندگی در عفت از خدا، تورو خدا بهم بگین چیکار کنم واقعا عذاب می کشم یه راهی پیش پام بذارین احساس می کنم زندگیم داره هدر میره من فقط بندگی خدا رو میخوام بس، نه اینکه اینقدر درگیر زندگی بشم که نفهمم نماز و چه جوری خوندم. منتظر کمکتون هستم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از یک جهت فراموش نکنید که خواهر و برادرهایتان به امید سرزدن به والدینشان می آیند و انتظار دارند از آنها استقبال شود و از این جهت کمک به والدینتان برکت خاص خود را دارد. و از طرف دیگر سعی کنید در این موارد نیز یک برنامه‌ی مختصری به خود بدهید و بفهمانید که آن برنامه را باید عمل کنم، بدون آن که اوقات تلخی کنید. موفق باشید